

إضاءات من دعوة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)

روشنگری‌هایی از دعوت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)

دعوة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) دعوة شمولية عامة، فكان فيها ما في دعوات جميع الأنبياء وزيادة، وهذا المعنى ورد في الحديث، فما في التوراة والإنجيل والزبور كله في القرآن، قال تعالى: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ﴾ (الشورى: ١٣).

دعوت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) دعوتی عامه و فراگیر بود. گویی تمام آنچه در دعوت‌های پیامبران پیشین بود و حتی بیشتر از آن را دربرمی‌گرفت. چنین معنایی در حدیث وارد شده است که هر آنچه در انجیل و تورات و زبور است، در قرآن نیز می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «(برای شما دین و آیینی مقرر کرد، از آنچه به نوح وصیت کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی وصیت کرده‌ایم که دین را بر پای نگه دارید)».

فوجد الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) وقف يقارع علماء ثلاث ديانات إلهية محرّفة، هي الحنفية والمسيحية واليهودية، ومن الواضح أن الوقوف بوجه عالم إلهي منحرف سواء في العقيدة أو في التشريع وفق هواه، أصعب بكثير من الوقوف بوجه وثني أو ملحد لا يؤمن بوجود الله، وذلك لأن العالم الإلهي الضال يتأول كلام الله وفق هواه ويرسم العقائد الإلهية وفق هواه ويضع الحجج والمغالطات ليثبت أن باطله حق، فصاحب الفتنة مُلقَى حجته، كما قال (صلى الله عليه وآله وسلم): (كل مفتتن ملقى حجته إلى انقضاء مدته، فإذا انقضت أحرقتة فتنته في النار) (١).

می‌بینیم که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در برابر علمای سه دین الهی تحریف شده می‌ایستد و با آنها مبارزه می‌کند؛ یعنی دین حنیف، مسیحیت و یهودیت. روشن است که ایستادن در برابر عالم الهی منحرف چه در عقیده و چه در قانون‌گذاری مطابق با هوای نفسش، بسیار دشوارتر از ایستادن در برابر بت‌پرست یا ملحدی که به وجود خداوند ایمان ندارد، می‌باشد؛ چرا که عالم الهی گمراه، سخن خداوند را بر اساس هوای نفسش تأویل و عقاید الهی را بر اساس هوای باطنی‌اش ترسیم می‌کند و استدلال‌ها و مغالطه‌هایی را ترتیب می‌دهد تا

ثابت کند که مطلب باطلش، حق است. فتنه‌گر با حجتش رویارو خواهد شد؛ همان طور که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «**هر صاحب فتنه‌ای با حجتش رویارو خواهد شد تا زمانش سر آید. هنگامی که فرصتش به پایان رسید، فتنه‌اش او را در آتش خواهد سوزانید**».

ومن هنا أقول: لو لم ينهض محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بالدعوة الإسلامية، لما استطاع نبي غيره النهوض بها، فتحمل بأبي وأمي ما لم يتحملة بشر غيره، وقام بالدعوة يقارع علماء الضلالة والطواغيت المتسلطين على الناس، مرة بعلمه الذي لم يتحملة غيره سوى علي ع بابيه، كما وصفه هو: **(أنا مدينة العلم وعلي بابها)**، ومرة أخرى يقارعهم بالقوة التي استمدها من توكله على الله الذي لم يعرف له مثيلاً، وقف في الطائف ممثلاً بالألم على أحجار أدمت بدنه الشريف يناجي ربه بكلمات لا تزال ترتعش قلوب المؤمنين عند سماعها وتفيض أعينهم من الدمع: **(إلهي إليك أشكو ضعف قوتي وقلة حيلتي وهواني على الناس، إلهي من تكلي يارب المستضعفين وأنت ربي، إلهي عدو ملكته أمري، أم إلهي بعيد فيتجهمني، إن لم تكن غضبت عليّ فلا أبالي...)** (٢٧).

به همین دلیل می‌گویم: اگر محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) دعوت اسلامی را بر عهده نمی‌گرفت، هیچ پیامبری به غیر از او نمی‌توانست آن را بر عهده بگیرد. پدر و مادرم به فدایش؛ چیزی را بر عهده گرفت که هیچ فردی غیر از او تاب تحملش را نداشت. دعوت را اقامه فرمود و با علمای گمراه و طاغوت‌هایی که بر مردم مسلط بودند، به مبارزه برخاست. یک بار با علمش که فردی غیر از او به جز علی ع که بابش بود، تاب تحملش را نداشت؛ همان طور که ایشان او را توصیف کرده است: «**من شهر علم هستم و علی درب آن**» و یک بار با نیرویی که از توکلش به خداوند به دست آورده بود و همانندی برایش شناخته نشده است، با آنها به مبارزه برخاست. در طائف ایستاد، درحالی که بر اثر سنگ‌هایی که بدن شریفش را خون‌آلود نموده بود، پر از درد بود و با پروردگارش با کلماتی مناجات می‌کرد که وقتی مؤمنان آن را می‌شنوند، دل‌هایشان به لرزه می‌افتد و چشمانشان اشکبار می‌گردد: «**خداوندا! به تو شکایت می‌کنم از اندک بودن نیروی خود و کوتاه بودن چاره اندیشی‌ام و ناتوانی‌ام در برابر مردم. ای پروردگار ضعیفان! مرا به که وامی‌گذاری، درحالی که تویی پروردگار من؟ به**

دشمن تا امر مرا مالک شود؟ یا به فردی دور که بر من روی در هم کشد؟ اگر تو بر من خشمگین نباشی، هیچ هراسی ندارم...».

محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) لا یبالی عندما یغری هؤلاء السفهاء صبیانهم لیرموه بالحجارة وتسیل من بدنه الدماء ویهان فی سبیل الله، ولا یبالی إن کذبه الناس، ولكنه یتألم عندما لا یؤمنون، لأنه یری جهنم مستقرة فی نهاية الطریق الذی یسلکونه.

محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ابایی ندارد، هنگامی که این سفیهان، کودکانشان را تحریک می‌کنند تا ایشان را با سنگ بزنند و خون از بدنش سرازیر شود و در راه خداوند تحقیر شود. اهمیتی نمی‌دهد، اگر مردم تکذیبش کنند؛ ولی هنگامی که ایمان نمی‌آوردند، اندوهگین می‌شد؛ چرا که او می‌بیند در انتهای راهی که می‌روند، جهنم قرار گرفته است.

وهكذا نهض محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) مرة یدعو إلی سبیل الله بالحكمة والموعظة الحسنة، ومرة یجادل بالتي هي أحسن، ومرة یقاتل الکفار والمنافقین ویغلظ علیهم ثلاثة وعشرين سنة، لم یعرف فیها رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) راحة ولا هوادة .. مواعظ وجدال وقتال ودعوة إلی الله حتی النفس الأخير، وفي آخر أيامه یرج متکناً علی علی ع والعباس ع، لیحث الناس علی القتال والخروج مع أسامة بن زید، وفي نفس الوقت طاعة لربه وعبادة بالغ فیها حتی خاطبه الجلیل: ﴿طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه: ۱-۲). وکرم وزهد فی الدنیا، حتی قال (صلی الله علیه وآله وسلم)

للمسلمین: (والذی نفسی بیده لو کان لی مثل شجر تهامة نعماً لقسمته بینکم، ثم لا تجدونی کذوباً ولا جباناً ولا بخيلاً) (۳۱).

محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) اینچنین به پا خاست. یک بار با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت می‌کرد و یک بار با روشی نیکو بحث و مجادله می‌کرد و بار دیگر با کافران و منافقین به جنگ برمی‌خاست و مدت بیست و سه سال بر آنان سخت‌گیری می‌کرد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این مدت، روی آرامش و مدارا ندید... پندها، بحث و جدل‌ها، مبارزه و قتال، و دعوت به سوی خداوند، تا آخرین نفس. در آخرین روزهای عمرش در حالی که به علی ع و عباس ع تکیه کرده بود، بیرون آمد تا مردم را به پیکار و خروج به همراه اسامه پسر زید

تشویق کند و در عین حال از پروردگارش اطاعت می‌نمود و در پرستش او تا آنجا زیاده‌روی کرد که خداوند جلیل او را خطاب قرار داد: «**طه * قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم تا به مشقت درآفتی**» و همچنین در بخشش و زهد در دنیا تا جایی که ایشان (صلی الله علیه وآله وسلم) به مسلمانان فرمود: «**سوگند به آن که جانم در دست او است، اگر نعمت‌هایی همانند کوه تهامه داشتیم، آن را بین شما تقسیم می‌کردم، سپس مرا نه دروغ‌گو و نه ترسو و نه بخیل می‌یافتید**».

ولم يأخذ من أموال الغنائم على كثرتها إلا القليل والكفاف، حتى اشتكتا حفصة وعائشة لضيق المعيشة، فنزلت آيات الاستبدال المعروفة في القرآن، وياليت لنا اليوم مسلمين يقتدون ولو بمعشار سيرة محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، إذن لظهر الإسلام على الدين كله.

اگر اموال غنیمت گرفته شده بسیار می‌بود، جز اندکی و به اندازه‌ی کفاف بر نمی‌گرفت؛ تا جایی که حفصه و عائشه به خاطر تنگی معیشت، شکایت کردند، و آیات «استبدال» که در قرآن معروف می‌باشند، نازل شد. ای کاش امروزه مسلمانان، به یک دهم رفتار محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) اقتدا می‌کردند، که اگر چنین می‌بود، اسلام بر تمامی ادیان برتری می‌یافت.

ودعوة الرسول محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فيها كل ما في دعوات الأنبياء السابقين، فالدعوة بليين ورحمة، ثم الهجوم بشدة وقسوة، تكسير الأصنام، قتل أعداء الله، توعدهم بالأذى الدنيوي والأخروي. كان الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم) في غاية اللين والرحمة والرقّة مع المؤمنين، وفي غاية الشدة والغلظة والقسوة مع الكافرين، وهذا الميزان الحق الإلهي لا يمكن أن تحتل تناقضاته الظاهرية إلا نفس عظيمة كنفس محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، نفس تحمل الجنة في يد والنار في اليد الأخرى، لتعرضها على الناس فتبشر المؤمنين وتندّر وتزجر وتهدد الكافرين، ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (الإسراء: ١٠٥).

در دعوت رسول خدا حضرت محمد رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) هر آنچه در دعوت‌های پیامبران پیشین بود، وجود داشت؛ دعوت با نرمی و مهربانی، سپس با شدت و تندگی و حمله‌ور شدن، شکستن بت‌ها، کشتار دشمنان خداوند، و عده دادن به آنها به آزار دنیوی و آخروی. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) با مؤمنین در

نهایت نرمی و مهربانی و رِقَّت بود و با کافرین در نهایت شدت و تندى و خشونت. این میزانِ حق الهی است که کسی تاب تحمل تناقضات ظاهری آن را ندارد، مگر نفس بزرگی مانند نفس محمد (صلی الله علیه آله وسلم)؛ نفسی که بهشت را در یک دست و آتش را در دست دیگرش دارد، تا آن را بر مردم عرضه کند و به مؤمنین بشارت، و کافران را انداز دهد و آنان را نهیب زند و تهدید نماید. «(وَأَنْ رَّا بِه حَق نازل کرده‌ایم و به حق نازل شده است و تو را نفرستاده‌ایم مگر بشارت‌دهنده و بیم دهنده‌ای باشی)».

وقال تعالى: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا * قَيِّمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾ (الكهف: ۱-۲).

حق تعالی می‌فرماید: «(سپاس خداوندی را که بر بنده‌ی خود، این کتاب را نازل کرد و هیچ کجی و انحراف در آن ننهاد * کتابی عاری از انحراف تا مردم را از خشم شدید خود بترساند و مؤمنان را که کارهای شایسته می‌کنند، بشارت دهد که پاداشی نیکو دارند)».

وأهم ما امتازت به دعوة الرسول (صلی الله علیه آله وسلم) هي أنها خاتمة الرسالات الإلهية، وأن التبشير والإنذار والوعد والوعيد الذي جاء به المرسلون آن وقت تنفيذه، وأن المنفذ هو من ذرية الرسول (صلی الله علیه آله وسلم) وهو الإمام المهدي ع.

مهم‌ترین موردی که به واسطه‌ی آن دعوت پیامبر خدا (صلی الله علیه آله وسلم) متمایز می‌شود، پایان‌بخش بودن به رسالت‌های الهی می‌باشد، و اینکه زمان به اجرا رسیدن بشارت و انداز و وعده و وعیدی که فرستادگان آورده بودند، فرا رسیده است و اجرا کننده‌ی آنها، از فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه آله وسلم) می‌باشد و ایشان، همان امام مهدی ع است.

وبالتالي فقد اقترب الوعد الحق الذي وعده الله سبحانه وتعالى لجميع الأنبياء والمرسلين، واقترب يوم الوعد المعلوم الذي وُعد به إبليس لعنه الله وأنه يوم نهايته.

در نتیجه وعده‌ی حقی که خداوند سبحان و متعال به همه‌ی پیامبران و فرستادگان داده بود، نزدیک شد و همچنین روزی که به ابلیس (لعنت الله) وعده داده شده بود؛ روز فرجامش.

قال تعالی: ﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾
(النحل: ۱)، وقال تعالی: ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾
(الأنبياء: ۱).

خداوند متعال می‌فرماید: «(فرمان خداوند در رسید، به شتابش نخواهید، او منزه است و از هر چه شریک او می‌سازند برتر)» و همچنین: «(روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند)».

وقال تعالی: ﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ * وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾
(القمر: ۱-۲).

و خداوند متعال می‌فرماید: «(ساعت نزدیک شد و ماه دو پاره گردید * و اگر آیه و نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی است پیوسته)».

وأخيراً أقول: إن في دعوات المرسلين الكثير الكثير الذي يستفاده منها المؤمن ليصبح ولياً من أولياء الإمام المهدي ع، ولا يمسي عدواً من أعدائه، وفي دعوات المرسلين حق لا بد للمؤمن الذي يريد نصرة الإمام المهدي ع أن يخوض هيجاءه، فمن عناء وبلاء وجهد وجهاد وقتل وقتال وآلام ربما تتجاوز البدن إلى النفس والروح، إلى سخريه وتهكم واستهزاء، إلى الخذلان وقلة الناصر، آلام وآلام وآلام.

و در انتها می‌گویم: در دعوت‌های فرستادگان، بسیار و بسیار چیزهایی است که مؤمن می‌تواند از آنها بهره‌گیرد، تا نزدیکی از نزدیکان امام مهدی ع شود و دشمنی از دشمنان ایشان نگردد. در دعوت‌های فرستادگان، حقی است که مؤمنی که می‌خواهد امام مهدی ع را یاری دهد، باید در میدان‌ش وارد شود؛ از سختی‌ها، بلاها، تلاش و جهاد، کشتار و پیکار و دردهایی که چه بسا از بدن عبور کند و به نفس و روح برسد، تا مسخره کردن و ریشخند و تمسخر، و تا خوار شدن و اندک بودن یاریگر و دردها و دردها و درها.

﴿حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ (البقرة: ٢١٤).

«(تا آنجا که پیامبر و مؤمنانی که با او بودند، گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟ بدان که یاری خداوند نزدیک است)».

([١]) - (وسائل الشيعة (آل البيت): ج ١٢ ص ١٩٨ ح ٨).

([٢]) - (بحار الأنوار : ج ١٩ ص ٢٢).

([٣]) - (مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ٢٦-٢٧ ح ٢، مجمع الزوائد: ج ٥ ص ٣٣٩).

الفهرس

الإهداء	5
إضاءات من دعوة نوح	7
إضاءات من محاجة نوح مع قومه	9
إضاءة من دعوة إبراهيم	11
إضاءة من دعوة إبراهيم ونوح	13
إضاءات من دعوة موسى ع	14
إضاءات من دعوة عيسى ع	17
إضاءات من دعوة محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)	20
الفهرس	23

والحمد لله رب العالمين